

عنوان مقاله:

تاملی بر ظرفیت های روش شناختی روایت پژوهی در علوم اجتماعی

محل انتشار:

سومین کنفرانس ملی جامعه شناسی و علوم اجتماعی (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسندگان:

افسانه احسانی - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد

محسن نوغانی دخت بهمنی - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

محمد مظلوم خراسانی - استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

خلاصه مقاله:

روایت آرایش سلسله ای از رویدادها درون یک کلیت است بطوریکه معنای هر رویداد بواسطه ارتباطش با آن کل قابل درک میشود همچنین گفتمانهایی با نظم زمانی واضح که رویدادها را به طریقی معنادار برای مخاطب معین به هم مرتبط می کنند و بینشهایی درباره جهان و تجربیات افراد آن ارایه میدهند روایت نام گرفته اند روایت هم میتواند به عنوان یک روش پژوهش مطرح شود که دربرگیرنده داستانهای افراد از تجربیاتشان بوده و نیازمند نوع خاصی از تحلیل است و هم درحکم خود پدیدهی مورد مطالعه از این رو روایت پژوهی شامل بررسی گزارش داستانی تجربیات یک یادونفر و مرتب ساختن آنها براساس نظم زمانی جریان زندگی فرد است و میتواند به اشکال متعددی چون مطالعه زندگی نامه نویسی خودزندگی نامه نویسی تاریخ زندگی داستان تجربه ی شخصی و تاریخ شفاهی تقسیم شود توجه به روایت در تحقیقات علوم اجتماعی از حدود سه دهه ی پیش افزایش یافته است به همین سبب این مقاله به بررسی پیشینه ی تحقیق روایی تقسیمات نظری و روش تحلیل داده های روایی و درنهایت نیز نقدهای وارد شده بر آن می پردازد

کلمات کلیدی:

تحلیل روایت ، روایت پژوهی ، زندگی نامه نویسی ، خودزندگی نامه نویسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/391546>

